

بوم خبر

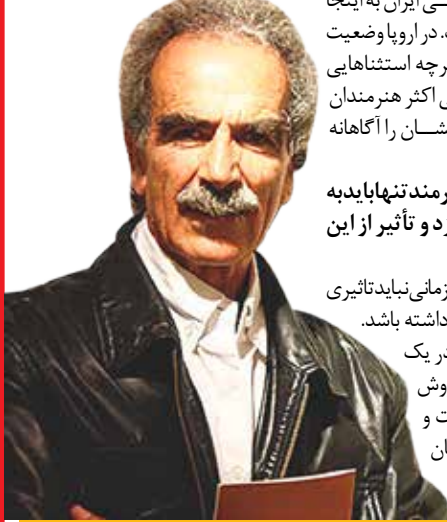
نمایشگاه سالانه آثار اعضای انجمن
مجسمه‌سازان ایران
چهارسوی خیال
به خانه هنرمندان آمد

ششمین نمایشگاه گروهی آثار اعضای انجمن مجسمه‌سازان ایران با عنوان «چهارسوی خیال» در گالری‌های خانه هنرمندان ایران برپا شد. در این نمایشگاه ۱۸۲ اثر از ۱۶۰ هنرمند به نمایش گذاشته شد. بنابر سنت همیشگی چهارسوی خیال آثار به انتخاب هنرمندان و بدون داوری به این نمایشگاه راه یافته‌اند. نگار نادری پور، مدیر مسئول انجمن مجسمه‌سازان با اشاره به ششمین نمایشگاه گروهی اعضای انجمن مجسمه‌سازان با عنوان «چهارسوی خیال» گفت: همانطور که می‌دانید از فعالیت‌های روتین انجمن‌های هنری در دنیا برگزاری سالانه‌هایی برای معرفی و نمایش آخرین دستاوردهای اعضا خود است، برای برخی از این انجمن‌ها اعلام حضور هنرمند و استمرار فعالیت حرفه‌ای او به شکل مشارکت در نمایش سالانه انجمن‌اش بر روی می‌کند. در این نمایشگاه‌ها هنرمند با انتخاب آزادانه، اثری از خودش را شرکت می‌دهد و ممیزی و انتخابی از سوی برگزارکننده در میان نیست.



انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران هم برای این منظور نمایشگاه چهارسوی خیال را به صورت سالانه و فقط برای مشارکت اعضا، در سال ۸۸ راه اندازی کرد. این نمایشگاه که چندین دوره برگزار می‌شود، در خانه هنرمندان ایران است. اکنون به‌شدت کمی تعیین کند. نباید فکر کنیم که با این قبیل کارها تنها چندسالی جلوه کنیم و بعد از آن مشخص شود همه این‌ها طبل توحالی بوده است.

نخستین نمایشگاه گروهی آثار اعضای انجمن است. این گروه‌های و برنامهریزی و برگزار می‌شود. وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: با وجود اینکه پنجمین «چهارسوی خیال» در سال گذشته نمایشگاه موفقی بود، تعداد آثار در ششمین دوره بیشتر و به لحاظ کیفی در سطح بالاتری قرار دارد. رشد این سالانه نمایانگر رشد میزان مشارکت اعضای انجمن است. این گروه‌هایی و نشست آثار مجسمه‌سازان در کنار یکدیگر علاوه بر نمایش گسترده و گوناگونی تکنیک، متراپی و رویکرد، نمایانگر دغدغه‌های این جامعه هنری هم است. قرارگیری آثار اعضا جوان و تازه وارد در کنار آثار اساتید و پیشکسوتان باب گفتگو و دیالوگ بدیعی را می‌گشاید. نادری پور افزود: انتخاب عنوان «چهارسوی خیال» برای این نمایشگاه سالانه، بیانگر یک رویداد آزاد و بدون موضوع و محدودیت است یعنی هر آنچه از خیال هنرمند مجسمه‌ساز عبور کند در این نمایشگاه جای دارد. این عرصه‌ها، امکان بروز رفتارهای مستقل و دغدغه‌های فردی هنرمند را فراهم می‌کند و آنچه در این دوره قابل توجه است، پرداختن بخش زیادی از هنرمندان به دغدغه‌های اجتماعی و ابرازنگرانی نسبت به وضع موجود است. این نمایشگاه فرصت بی‌ظنری برای نقد و بررسی روند مجسمه‌سازی حرفه‌ای ایران به وجود آورده است که امیدوارم به آن پرداخته شود. تغییرات آمار در مشارکت اعضا، رهگیری جریان سنت مجسمه‌سازی، کشف جریان‌های نو، بروز آثاری که از محبوبیت بازار برخوردار ترند، رفتارهای تجربه‌گرانه، اقبال متراپی‌های جدید، حضور آثاری که با نیت ارائه در شهر ساخته شده‌اند، نمود شرایط اقتصادی در آثار، و... موضوعات قابل بحث در این سالانه هستند. گفتنی است: اولین نمایشگاه چهارسوی خیال سال ۸۸ موزه امام علی برگزار شد. در این سالانه نمایانگر رشد میزان مشارکت اعضای انجمن است. این گروه‌هایی و نشست آثار مجسمه‌سازان در کنار یکدیگر علاوه بر نمایش گسترده و گوناگونی تکنیک، متراپی و رویکرد، نمایانگر دغدغه‌های این جامعه هنری هم است و قرارگیری آثار اعضای جوان در کنار آثار پیشکسوتان باب گفتگو میان آنان را می‌گشاید. ششمین نمایشگاه گروهی «چهارسوی خیال» ۴۴ مرداد در گالری‌های خانه هنرمندان ایران دایر است.



نیستند. برای این کار نه استعدادی دارند و نه درسی خوانده و دورای دانشگاهی دیده‌اند. بلکه اغلب به دلایل شغلی به پر کردن صفحه‌های هنری و طبعاً اظهار نظر ادبی و هنری و اداشته شده‌اند. اودسته دیگر منتقدین را کسانی می‌داند که این بخت را داشته‌اند که یا خود بنیانگذار نشریه‌ای بوده‌اند و برای تبلیغ و ترویج هنر با عقیده‌ای در نشریه‌شان قلم زده‌اند، یا هنرمندان و منتقدانی بوده‌اند که در یک وضعیت تثبیت شده در نشریات پرتیراژ مجال آن را یافته‌اند که از نیروی رسانه‌ای پر قدرت برای بیان نظرات انتقادی خود نسبت به هنر و فرهنگ بهره‌یابند. مجایی علاوه بر فعالیت‌های جدی و مداوم در عرصه نقد رویدادهای هنری با تبیین نقش منتقد در آگاهی بخشی به مخاطب گام دیگری برمی‌دارد. او اعتقاد دارد که در چرخه‌ی آفرینش هنری، وقتی که اثر تولید شد و به عنوان یک کالای فرهنگی به بازار عرضه شد، منتقد به عنوان میانجی می‌تواند دو کار را همزمان انجام دهد: یکی آن که به نقد ارزش‌های ساختاری و ماهوی اثر بپردازد که بیشتر برای هنرمند مفید است تا بداند چه کرده است و از دید بیرونی اثرش چگونه قضاوت می‌شود. از سوی دیگر شناساندن این ارزش‌ها و ویژگی‌ها، مایه توجه مخاطبان به حضور هوایی تازه در جریان زندگی اجتماعی می‌شود و آن‌ها با حضورشان در مجامع فرهنگی، گرایش خود را به شناخت تحولات فرهنگی برقرار می‌کنند. در روزنامه‌های پرتیراژ اگر منتقدان واقعی راهی داشته باشند اطلاع‌رسانی بموقع می‌تواند در ارائه انواع آفرینش‌های هنری به مردم، سهم موتوری داشته باشد.

می‌رسد در ایران این موضوع برعکس شده و این طرز فکر به نظر من قابل بحث است. اگر شهرت و ستاره شدن هدف یک هنرمند باشد دیگر بعد از رسیدن به آن نباید نقاشی کند. **این وضعیت چه آسیب‌هایی را می‌تواند در آینده برای نقاشی ایران به دنبال داشته باشد؟** اشکالات کار از همین حالا مشخص است و حتی لازم نیست منتظر بمانیم تا نتیجه را ببینیم. مثلاً جکسون پولاک می‌آید و با آن روش هیجانی و با شهامت رنگ را روی بوم می‌پاشد و همین تکنیک او می‌شود اما باید بدانیم که قبل از او «مارک توبی» هم به شکلی این کار را کرده. نکته اینجا است که وقتی زیربنای کار او را می‌بینید متوجه می‌شوید در پیوستگی با حرکت‌های هنرمندان دیگر پیش از خود است که به این شیوه دست پیدا می‌کند. متاسفم که مجبورم این اصطلاح را به کار ببرم ولی به نظر می‌آید که ما آماده خور شده‌ایم؛ یعنی آنچه را که فردی در جایی دیگر خلق کرده می‌آییم کپی می‌کنیم. حتی بعضی وقت‌ها مسئله را از خود آن‌ها پرتنگ‌تر و بیشتر در بوق و کرنا می‌کنیم در صورتی که یک کارشناس با دیدن کارهای می‌تواند تشخیص دهد که مثلاً زیربنای مناسب را ندارد و هنرمند رفته و با دیدن چند موزه و نمایشگاه و برداشتن از اینجا و آنجا اثری را به وجود آورده است. حیفا است که ببینیم کار نقاشی ایران به اینجا کشیده شده است. در اروپا وضعیت این‌طور نیست و اگر چه استثناهایی هم وجود دارد ولی اکثر هنرمندان این کشورها کارهایشان را آگاهانه انجام می‌دهند.

می‌گویید هنرمند تنها باید به کار خود بپردازد و تأثیر از این مسائل نکیرد؟ شرایط و موقعیت زمانی نباید تأثیری در اندیشه هنرمند داشته باشد. اینجا می‌بینیم که در یک مقطعی وضعیت فروش نقاشی بی‌رونق است و در زمانی دیگر ناگهان شدت می‌گیرد. نیست و موجب شده تا یک نوع گیج شدن را بین دانشجویان هنر و حتی بعضی هنرمندان شاهد باشیم. الان همه فکر می‌کنند باید خیلی زود سوپر استار شوند و کارشان در حراج‌ها فروخته شود. همه این‌ها برای هنرمند موضوعاتی خارج از برنامه است و حتی می‌تواند به آثار هنری صدمه جدی بزند. مثلاً شاید ونگوگ می‌توانست کارهایش را هم به فروش برساند اما چون می‌دانست دارد چکار می‌کند به سمت بازار هنر نرفت. پیکاسو هر دو این‌ها را دارد، هم می‌فروشد و هم کاری را که می‌خواهد می‌کند اما این کلکسیونرها بودند که به خدمت پیکاسو درآمدند. الان به نظر

از نظر من اینطور معنی می‌دهد که شماری مسئله‌ای متمرکز می‌شوید و می‌خواهید نسبت به آن شناخت کامل پیدا کنید؛ مثل یک دانشمند. ممکن است شمار مکان‌های مختلفی روی این موضوع کار کنید ولی بنیان‌ها ثابت است. به عنوان یک نقاش شما می‌خواهید کار کرد نور را بشناسید و بدانید که سایه روشن روی اشیا چطور شکل می‌گیرد و از این قبیل مسئله‌ها است که شما هر چه در این باب عمیق تر می‌شوید دنیایتان وسعت بیشتری پیدا می‌کند و ممکن است در نقاشی به شکل‌های مختلفی آن را بیان کنید. در این موقعیت خودتان دقیقاً می‌دانید دارید چکار می‌کنید اما احتمال دارد بیننده فکر کند توجه شما به چیزهای دیگری معطوف شده در صورتی که شما هنوز همان کار را انجام می‌دهید؛ منتها به جایی رسیده‌اید که شاید بیننده عادی نتواند ریشه و وسعت نگاه هنرمند را تشخیص بدهد.

با توجه به اینکه در این سال‌ها در ایران هم نمایشگاه‌هایی داشته‌اید، فضای هنری داخل را چطور دیدید؟ بعضی اطلاعاتی که به نسل جدید هنر ایران داده‌اند از نظر من پذیرفته

روز به صدر

بهمین بروجنی نقاش ایرانی ساکن پاریس از نسل هنرمندانی است که در جریان نوگرایی ایران تحولات بزرگی را در عرصه هنرهای تجسمی پیش بردند. او هم نسل هنرمندانی چون زنده‌رودی و عربشاهی است و طیف وسیعی از سوابق هنری چون ریاست دانشکده هنرهای تزئینی و درخشش در اولین بینال‌های هنری ایران را در کارنامه دارد. بهمین بروجنی متولد ۱۳۲۱ (بروجن) با خاتمه تحصیل در هنرستان هنرهای زیبا تحصیلش را در دانشکده هنرهای تزئینی ادامه داد. او در بیش از ۲۰۰ نمایشگاه انفرادی و گروهی حضوری فعال داشته است. همچنین از این هنرمند ۱۶ بی‌عنوان‌های؛ مرد با ظرف آثار، دیگران کاشتنند ما خوردیم، ابرها و گل، در گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شود. گفتگویی با این هنرمند را در ادامه می‌خوانید.

نزدیک به سی سال گذشته که یادداشت

افق‌هایی که به روی هنرهای تجسمی گشوده می‌شود

نگاهی به کارنامه نقد و نگارش هنری جواد مجایی



ساکن فرانسه هستید، نقاشی‌هایتان چه مسیری را طی کرده‌است؟ تغییر زیادی در کارهایم شکل نگرفته فقط شاید بشود گفت که من آنجا حتی به‌طور جدی تر نقاشی کردم چرا که کار تدریس را که سال‌ها در دانشکده هنرهای زیبای تهران دنبال می‌کردم کنار گذاشتم. البته تاملاتی هنوز هفته‌ای یکی دو روز را صرف آموزش خصوصی نقاشی و طراحی می‌کردم اما بعد از مدتی به‌طور کلی تدریس را کنار گذاشتم و زمان بیشتری را به نقاشی کردن اختصاص دادم. در هر حال در پاسخ شما باید بگویم سکونت در فرانسه شاید در جزئیات کارها تأثیر داشته ولی در بنیان نقاشی‌های من بی‌تأثیر بوده است.

در مورد شیوه نقاشی کردنتان هم همین موضوع مصداق پیدا می‌کند؟ اساساً مخالف محدودیت در نقاشی هستم. حتی این که بگویم مثلاً من سنت‌گرا هستم یا به شیوه خاصی کار می‌کنم به نظر من ارزش کار هنرمند را پایین می‌آورد و غیر مستقیم هنرمند را تبدیل به یک زندانی می‌کند. در واقع فعالیت جدی در زمینه نقاشی

و همزمان با آن شروع برپایی بی‌ینال‌های پنجگانه هنری تا سال ۱۳۴۷ با مهم‌ترین نقاشان و هنرمندان ایرانی معاشرت پیدا می‌کنند و آن زمان تازه امروز در باره آن‌ها تحقیق و پژوهش کرده و مدام به دیدن نمایشگاه‌هایشان رفته که همین امر بهانه‌های اصلی او برای نگارش مقالات و کتاب‌هایش بوده است. گردآوری این مقالات و انتشار آن‌ها در قالب کتاب سبب شده تا چشم‌اندازی از هنر ۹۰ ساله نقاشی مدرن در ایران مطرح شود. غیر از نقد آثار هنری در این کتاب مقالاتی نیز پیرامون «منتقدان هنری در ایران»، «چگونگی شکل‌گیری گالری‌ها»، «تاریخ و چگونگی تأسیس دانشکده‌های هنری» و «برگزاری بی‌ینال‌ها» آورده است.

مجایی را به ویژه در حوزه هنر مدرن ایران باید مرجعی قابل‌اعتنا و یگانه به حساب آورد. او طی سخنرانی‌ها، مقاله‌ها و نوشته‌های تحلیلی‌اش در نزدیک به چهار دهه روایتی مستقل از تطور و دگردیسی‌های رویکرد مدرن در هنر ایران را به دست می‌دهد که در جای خود بسیار ارزشمند و روشنگر است. او بار

بهر روز فایقین

جواد مجایی علاوه بر ادبیات در نقد هنری به ویژه در حوزه هنرهای تجسمی هم نام شناخته شده‌ای است؛ این حیطه اخیر فعالیت او هم تا آن حد برجسته است که بسیاری ند کسانی که مجایی را در عرصه هنرهای تجسمی حتی فعال تر می‌دانند. چنین تصویری از انجامی آید که او سال‌هاست برای نمایشگاه‌های هنری نقد می‌نویسد و چه بسیار عرصه‌هایی را در این افق گشوده است. شاید یکی از دستاوردهای بزرگ او طی همه سال‌ها فعالیت و همت‌اش هم در روشنگری معانی و مفاهیم هنر و ادبیات، هر دو نهفته باشد، به طوری که در نتیجه آن پیوندی میان کارکردهای زیبایی‌شناسانه و خلاقانه در هر دو شاخه را نشانده‌اند. علاوه بر انتشار شعرها و رمان‌ها و داستان‌ها، کار عمده او در این سال‌ها، تحقیق در باره نوپردازان هنرهای تجسمی ایران است که بالغ بر شش جلد می‌شود. که تاریخ تحلیلی زندگی و آثار نقاشان و مجسمه‌سازان ۵۰ سال اخیر است.

تالیفات جواد مجایی در زمینه هنرهای تجسمی امروز به عنوان یکی از منابع رجوع معتبر و قابل‌اعتنایی مطرح است که کماکان ارزش‌های روشنگرانه و سندی‌اش را حفظ کرده است. او در بی‌آشنایی با نقاشان و هنرمندان مدرن ایران از سال ۱۳۳۷

